

بیماری کرونا و اندیشه تغییر مثبت در جهان

بهمن مه آبادی

تاریخ بشر از دوران‌های اولیه تا این آغازین سال‌های هزاره سوم، نشان‌گر فراز و فرودهای بی‌شماریست که بی‌تردید همگان با آنها کم و بیش آشنا هستند.

در این افت و خیزها، گاه جنگ، زمانی صلح و اوقاتی بیماری‌ها سرنوشت‌ساز بوده‌اند. بی‌تردید طاعون و بسیاری امراض مهلک که عامل کشتار وسیع آحاد انسانی در بخش‌هایی از جهان محسوب می‌شدند، جدا از متفکرین و دانشمندان و هنرمندان، دیگر اقشار مردم را نیز به تفکر وادار می‌داشت و در این راستا آنها را خواهی‌نخواهی با تحولات و دیگرگونی‌های اجباری آشنا می‌ساخت و این چنین راه از پیش تعیین شده بشریت را دچار تغییر می‌کرد و به سمت و سویی دیگر می‌راند. لذا خیزش اصلاح‌طلبی و نوگرایی و رنسانس یکی از این اتفاقات بود. رنسانس انسان خفته را بیدار و به سوی مدرنیته هدایت می‌کرد که در آن دنیای عتیق را با تمام بت‌هایش درهم می‌شکست و راه نویی در پیش پای بشریت قرار داده می‌شد. جنگ‌ها نیز چنین نقشی داشتند اما نه به قدر بیماری‌های همه‌گیر.

در دوران معاصر، انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل یکی از بزرگترین اتفاقات جهان بشری محسوب می‌شد! زیرا یک بار دیگر ضمن تهدید بشریت و انتشار بیماری، نوعی اعلان جنگ به حساب می‌آمد که لاجرم در سال‌های بعد، فروپاشی بزرگترین قدرت نظامی شرق و البته آزادی بسیاری از ملت‌ها و انهدام دیوار برلین را نیز در پی داشت، که در هر حال بسیار مهم و تأثیرگذار بود. در این رویداد تاریخی، عده‌ای از راه جنگ، اندکی از طریق گفتگو و پاره‌های با شورش‌های آزادی‌خواهانه به احقاق حق خود می‌اندیشیدند و بالاخره کم و بیش به آن دست می‌یافتند و این‌گونه هزاره سوم آغاز می‌شد.

هزاره انقلاب الکترونیک، دهکده جهانی، اینترنت و البته پیشرفت‌های شگرف که همه ما به نوعی در جریان پاره‌ای از آن‌ها هستیم. در این تحول محیط زیست آسیب می‌دید و انسان به ظاهر قدرتمند، مرزهای حکمرانی خود را پنداری لحظه به لحظه و به هر قیمتی گسترش می‌داد و درصدد تسخیر بی‌چون و چرای گیتی بر می‌آمد. حال رنسانس، انقلاب صنعتی و انقلاب الکترونیک، بشریت زمینی را دچار تحول کرده بود! تحول واژه‌ای که دو سویه می‌نمود: تحول مثبت و دگرگونی منفی! کسی به چیز دیگری نمی‌اندیشید، زیرا همه چیز، همانطور که تصور می‌شد، ظاهراً صحیح بود! و این بی‌شبهت به دوران قرون وسطی نبود. در آن دوره نیز کسی تحول عظیم رنسانس را حتی در مخیله خود نمی‌توانست متصور شود!

در ووهان چین ویروسی به نام کرونا با مشخصه کوید ۱۹ در راه بود تا تمام سلسله مراتب را به هم ریزد! اجتماعات را تعطیل کند! اقتصاد را بپاشاند و در حمله به آحاد بشری قوی و ضعیف، دارا و ندار، نظامی و شخصی و ... نشناسد. ابعاد از این هم بزرگتر بود چون پندار اینکه یک بیماری کل جهان را در مخاطره قرار دهد بسیار مضحک به نظر می‌رسید اما در زمان خیلی کوتاه این تصور ناباورانه به باور نشست و جهانی به رکود کشیده شد! کارخانه‌جات، کارگاه‌ها، شرکت‌ها، پروازهای هوایی، قطارها، اتومبیل‌ها، هتل‌ها و توریسم، اجتماعات اعم از علمی-هنری، فرهنگی و ورزشی و ... به تعطیلی کشیده شدند درحالی که محدوده‌ای زمانی برای بازگشایی آن‌ها متصور نبوده و نیست. مدارس و دانشگاه‌ها و همه مکان‌ها به نوبت از کار ایستادند و حتی پارک‌ها و جنگل، دریا و کشتی‌ها کاربرد خود را از دست دادند.

اینک همه جا آلوده هست و بیماری عفونی حد و مرزی نمی‌شناسد. انسان‌ها با پوشیدن ماسک، دستکش، عینک و کلاه به آدم‌های فضایی شبیه شدند و البته با تمام این‌ها از حمله ویروس در امان نماندند! همه چیز منفی است و منفی می‌ماند. در عرض یکی دو ماه جهانی به سوگ مرگ نشسته است و کشتی حیات دچار تلاطم شدیدی است! قدرت‌های بزرگ با تزریق پول در حد نجومی به فکر نجات افتادند اما ابعاد، وسیع‌تر از این حرف‌ها به نظر می‌رسید بی‌تردید راه‌های گسترش بیماری همچنان باز و غیرقابل کنترل می‌نماید. هر روز در اقصی نقاط جهان عده‌ای

قربانی می‌شوند و این روند با شدت و حدت ادامه دارد. پزشکان و پرستاران و کادرهای درمان از دو سو درمانده به نظر می‌رسند: اول از کمبود امکانات که جهان مدرن در این خصوص پیش‌بینی لازم را نکرده بود و دومی جهل مردمان که توصیه‌ها را نادیده می‌گیرد.

من با این مسائل کار زیادی ندارم. نه راه درمان را می‌شناسم و نه خود را مصون می‌دانم و نه راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنم؛ اما آن‌چه در این نوشته می‌خواهم بدان‌پای بفشارم، تحول است! جهان در فردای این بیماری دیگر جهان قبل از آن نخواهد بود زیرا با فروپاشی در زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و تجربه انهدام جهان، انقلاب دیگری که خاکی را درخواهد نوردید و تغییرات شگرفی را در آن ایجاد خواهد کرد! تصور این تغییر و چگونگی آن بسیار دشوار است اما خواه‌ناخواه گریزناپذیر می‌نماید و بی‌تردید به وقوع خواهد پیوست. روابط انسانی دچار دگردیسی خواهد شد؛ صنعت مفهوم تازه‌ای را تجربه خواهد کرد؛ بانک‌ها و ادارات شکل امروزی خود را از دست خواهند داد و بسیاری از رسوم و قراردادهای اجتماعی متحول خواهد شد. طب و علوم پزشکی با اندیشه‌ی تازه‌ای رشد خواهد کرد و جهانی بهتر و زیباتر از اینکه هست را خواهد ساخت. ممکن است مژده‌ای در راه باشد اگرچه از طریق جهنم می‌گذرد. این شبیه دوران تحول تاریخی انسان‌هاست. دوران پارینه‌سنگی، دوران نوسنگی و دوران کرونا و البته پسا کرونا. این نیک، در یک هفته، یک ماه یا یک سال انجام نخواهد شد. تحولاتی این چنین در بستری از زمان‌های طولانی به مقصد می‌رسند.

آیا زنده می‌مانیم تا به مشاهده طلوع آن برخیزیم! جوابی برای آن منظور نیست.